تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۴/۲۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ شفاهی رنگرزی پشم در فرش‌بافی ایل قشقایی

سیده اکرم اولیائی طبائی (نویسنده مسئول)
مربی و عضو هیئت علمی گروه فرش دانشگاه هنر شیراز
E-mail: oliyaei@shirazartu.ac.ir
سید محمدمهدی میرزا امینی
دکتری پژوهش هنر

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

چکیده

استان فارس یکی از مراکز تولید فرش دست‌باف است. نوع اقلیم و شـرایط آب و هوایی این اسـتان کشت گونه‌های مختلفی از گیاهان را در این سـرزمین ایجاد کرده که هر کـدام در ترکیب با یکدیگر و دندانه‌های مختلف، طیف گوناگونی از رنگ را در رنگرزی الیاف ایجـاد می‌کند. این تحقیق با هدف کشـف اتفاقات، حوادث و خاطراتی است که در فرایند رنگرزی، نوع انتخاب رنگ و سلیقه‌ی بافندگان روستایی و عشایری فارس به روش تاریخ شـفاهی اسـت. تاریخ شفاهی در واقع گفت‌وگویـی قاعده‌مند و آگاهانه بین دو نفر درباره‌ی ابعادی از وقایع گذشـته است که از نظر هر دوی آن‌ها دارای اهمیت تاریخی است و برای تبدیل شـدن به سـند و ماندگاری آن ثبت و ضبط می‌شود. در ایـن تحقیق به روش کیفی و با ابزار مصاحبه نیمه سـاختار یافته بـا ۲۶ تن از عوامل فرش دسـت‌باف روستایی و عشایری فارس مصاحبه شده است. روش نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی یا افزایشی و حجم نمونه بر اساس اشباع نظری انتخاب شد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که سیر استفاده از رنگزاهای طبیعی در تولیدات فرش این استان چگونه بوده است.

کلید واژه‌ها: تاریخ شـفاهی، رنگـرزی، رنگزاهای طبیعی، عشایر فارس، فرش دست‌باف.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

مقدمه

دست‌بافته‌های استان فارس با توجه به تقسیم‌بندی‌ها در بخش عشـــایری به صورت کلی شـــامل سه ایل قشقایی، لر و خمسه می‌باشـــد که خمسه متشکل از پنج ایل: عرب، باصری، اینالو، بهارلو و نفر اســـت که از شمال تا جنوب استان در مناطق مختلف شهری و روستایی پراکنده شـــده‌اند. که این امر سبب می‌شود استان فارس به یکی از مناطق ارزشمند قالی‌بافی ایران و صادرکننده قالی و گبه، دارای جایگاه ویژه‌ای باشد.

بر اســـاس یافته‌ها، کم توجهی به تاریخ شـــفاهی فرش‌دست‌باف مناطق مختلف در ایران، باعث منفعل، منـــزوی ماندن و عدم انتقال علـــوم در باب این هنر- صنعت بوده است و شاید یکی از دلایل افول فرش‌بافی و روی آوردن بافندگان به بافت نقوش غیر بومی، عدم توجه به تاریخ شفاهی و پیشینه فرش‌بافی هر منطقه و نیز عدم توجه به تجربه و دانش بافندگانی بوده است که بیشترین ســـهم را در تولید این محصول داشته‌اند. به همین دلیل دانش تولیدشـــده در ایران کمتر توانسته است جریان‌ساز شـــود. لذا ثبت تاریخ شفاهی در هر زمینه‌ی علمی، باعث ارزش‌آفرینی و تغییر در ســـنت موجود و برقراری ارتباط علمی و فرهنگی بین نسل‌ها و در واقع ارتقاء قابلیت‌ها خواهد شد. تاریخ شفاهی، به‌عنوان یک روش پژوهشی از مرحله آغازین تا انتها، مراحل متعدد، طولانی و زمان‌بری را دربرمی‌گیرد که در صورت رعایت اســـتانداردهای آن، نتایج شگرفی دربرخواهد داشت و هدف از آن صرفاً ثبت مستندات تاریخی ازدست‌رفته مانند خاطرات، تجربه‌ها و دانش افرادی اســـت که به طور مستقیم با موضوع مورد نظر در ارتبـــاط بوده‌اند. این عملیـــات، در این پژوهش از طریق مصاحبه و بـــه دور از هر گونه دخل و تصرف و اعمال نظریات شـــخصی پژوهشگر، صرفا به منظور ثبت خاطرات اشخاص، انجام گرفته است.

در این مقاله به دســـته‌بندی و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته، پرداخته می‌شود. به نحوی که پاسخ‌های هر سؤال که پیشتر از هر مصاحبه‌شونده ثبت شده بود اکنون تحلیل شده، و به صورت یکدست و منظم و با رعایت بازه زمانی ارائه می‌شوند.

اصطلاحات پژوهش

تاریخ (History)

واژه‌ی انگلیســـی «History» آن‌گونه که امروز به کار می‌رود مانند واژه‌ی عربی «تاریخ» مفهومی دو وجهی دارد. این واژه اغلب به معنای گذشـــته اســـت؛ حال این که گذشـــته هر چه باشـــد؛ دوران ماقبل تاریخ، دوران باستان، قرون وسطی، عصر جدید و حتی زمان معاصر؛ مانند آنچه در خاطرات روزانه به ثبت می‌رسد ولی واژه‌ی «تاریخ» همچنین می‌تواند گزارشی از طرز فکر، آموزش و یا نوشته‌های ما درباره‌ی گذشته باشد. با این بیان واژه‌ی تاریخ با کلمه‌ی تاریخ‌نگاری تداخل پیدا می‌کند. «تاریخ‌نگاری» به معنای نوشتن درباره‌ی گذشته است (رابینسن، ۱۳۹۲: ۱۳).

پژوهش تاریخی

تحقیق تاریخی، از آن دســـته از تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشـــته و در یک مقطع زمانی مشـــخص اتفاق افتاده است، صورت می‌گیرد. تلاش محقق در روش تحقیق تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و ســـقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مســـتدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینـــی ارائه کند و نتایج پژوهشـــی قابل دفاعی را در ارتبـــاط با فرض یا فرض‌های ویـــژه‌ی تحقیق نتیجه بگیرد. مثلاً بررسی تعلیم و تربیت در دوره‌ی صفوی (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۱: ۶۸). پژوهش تاریخی با رویدادهای گذشـــته و اغلب با رویدادهایی ســـر و کار دارد که در موقعیتهای طبیعی اتفاق افتاده اســـت.

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

در تفسیر رویدادها باید شرایط آنها مورد تأکید قرار گیرد. تفسیر در پژوهش تاریخی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا رویدادها پیش از اتخاذ تصمیم برای بررسی آنها اتفاق افتاده‌اند. لذا هنگام پژوهشهای تاریخی تفسیر در کانون فرآیند پژوهش قرار میگیرد. ارزش پژوهش تاریخی بسیار وسیع است و از فراهم آوردن امکانات در گذشته از طریق توصیف دقیق آن تا فراهم آوردن دیدگاههای مناسب برای تصمیمگیری، خطمشیسازی را دربر می‌گیرد (خوی‌نژاد،۱۳۹۳: ۲۴۴- ۲۴۲).

در واقع پژوهش تاریخی یکی از انواع پژوهش‌هاست که در علوم انسانی دارای اهمیت زیادی است. یافته‌های چنین پژوهشی به متخصصان علوم انسانی این امکان را می‌دهد که از دستاوردها و اشتباهات گذشته به منظور بهتر ساختن حال استفاده کنند (دلاور، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

تاریخ شفاهی (Oral History)

تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد. متون این تاریخ حتی در صورت مکتوب شدن، خصلتی گفتاری دارد. تاریخ شفاهی به معنای جمع‌آوری اطلاعات در مورد وقایع تاریخی از طریق اسناد غیر مکتوب است. این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که تاریخ تنها اسناد مکتوب و آنچه صاحبان قدرت ابراز می‌دارند نیست. روش اصلی جمع‌آوری اطلاعات در رویکرد تاریخ شفاهی مصاحبه با شرکت‌کنندگان در رویدادهای تاریخی و ضبط این مصاحبه‌ها است. البته می‌توان گفت در دوره‌های گذشته نیز همواره نوشتن تاریخ نیازمند استفاده از منابع شفاهی بوده است. بدین معنا که در هر برهه از تاریخ افرادی که اقدام به نوشتن و ثبت وقایع تاریخی نموده‌اند، بخشی از اطلاعات خود را از طریق پرس‌وجو از اشخاص و به‌طور شفاهی به دست آورده‌اند. به‌طورکلی تدوین تاریخ معاصر در هر دوره نیازمند بهره‌جویی از اطلاعات شفاهی است. زیرا برای ثبت تاریخ، رویدادی را که در واقعیت رخ‌داده و غیر مکتوب بوده است به‌صورت نوشته و مکتوب درمی‌آوریم. همچنان که بیهقی می‌نویسد: «و من که تاریخ پیشه گرفته‌ام التزام این‌قدر کرده‌ام که آنچه نویسم یا از معاینه من است یا از سماع مردم ثقه» (نیک‌نفس، ۱۳۹۲: ۸). به بیان‌دیگر تاریخ شفاهی روشی است علمی، از پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر مصاحبه هدفمند و فعال، که برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات تاریخی، بر اساس موضوعی خاص که افرادی در آن واقعه یا رویداد حضور داشته‌اند، چه تأثیرگذار و چه تأثیر گرفته از رویداد بوده، که در آن به‌جای تمرکز بر داده‌های مکتوب به خاطرات و شنیده‌های افراد تأکید دارد. همچنین این شیوه علمی پرکننده‌ی خلأ اسناد تاریخی است که نقش تکمیل‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. و به دلیل ماهیت میان رشته‌ای که دارد در تمام زمینه‌ها و رشته‌ها کاربرد داشته و اغلب مسائل تاریخی را با روش‌های دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد و به بخش‌های ناگفته‌ی زندگی افراد توجه دارد (فرشید، ۱۳۹۳).

ایل، عشایر و زندگی کوچ‌نشینی

از گذشته استان فارس به عنوان یکی از مراکز اصلی مهد عشایر ایران شناخته می‌شود و وجود ایل و طایفه‌های بسیاری که با عناوین و نام‌های مختلف در آن شناخته شده‌اند، در مناطق معینی از این استان زندگی می‌کنند. ایلات فارس به گروه‌های زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱- ایل قشقایی: این ایل مهم‌ترین و پر جمعیت‌ترین ایل عشایری استان فارس است که از شش طایفه‌ی دره‌شوری، شش‌بلوکی، عمله، فارسی‌مدان، کشکولی

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

بزرگ و کشـــکولی کوچک تشکیل شده است. قلمرو ییلاق ایل قشقایی در نواحی شمالی استان و همچنین شهرستان‌های شهرضا و سمیرم از استان اصفهان است و قشلاق آن‌ها در نواحی جنوبی استان فارس شهرهایی مثل فیروزآباد، فراشبند و قیر و کارزین است.

۲- ایل خمسه: این ایل از نظر جمعیت، دومین ایل عشـــایری استان و شامل ایلات اینالو، باصری، بهارلو، عرب و نفر اســـت. ایل عرب زبان شامل دو طایفه‌ی عرب جباره و عرب شـــیبانی، ایل فارسی زبان موسوم به باصری اســـت و ایلات بهارلو، اینالو و نفر نیز ترک زبان می‌باشـــند. از ترکیب این پنج ایل، عشایر خمسه تشکیل می‌شـــود که حوزه‌ی قشلاق و ییلاق آن‌ها از جنوب آباده و مرودشت تا فسا و داراب گسترده است. ایل بهارلو هم در کناره‌های رود داراب اسکان یافته‌اند و زندگی می‌کردند.

۳- ایل ممسنی: ایل ممسنی شامل چهار طایفه‌ی بکش، جاوید، دشـــمن زیاری و رستم است. ییلاق و قشـــلاق این ایل در محدوده‌ی شهرســـتان ممسنی و دهستان‌های اطراف آن است. در حال حاضر تعداد قابل توجهی از این افراد در شـــهر نورآباد ممسنی و اطراف آن ساکن شده‌اند.

۴- طوایف مســـتقل: علاوه بر ایل‌های قشقایی، خمسه و ممسنی طوایف مستقل دیگری نیز در استان فارس سکونت دارند. مهم‌ترین آن‌ها طوایف کوهمره سرخی، دشت ارژن و کوهمره نودان در اطراف شیراز و کازرون اســـت. این طوایف مســـتقل عشایری در کنار فعالیت‌های دامداری بـــه زراعت و باغداری نیز می‌پردازند (امیری، ۱۳۹۱: ۱۰۵ـ۱۰۸).

اســـتان فارس و به‌خصوص ایلات و عشـــایر آن، به عنوان یکی از مناطقی اســـت که سابقه‌ای دیرین در فرش‌بافی دارد؛ به‌گونه‌ای که اکثر طایفه‌ها و ایلات و عشایر آن به این امر اشتغال دارند و چون دستبافته‌های ایرانی به‌عنوان شناســـنامه و بخشی از هویت فرهنگی هنری ایرانی و تاریخ مصور حیات این قوم اســـت که به زبان نقش و رنگ ثبت‌شده است، توجه و شیفتگی به این هنر را برمی‌انگیزد (غلامحسینی، ۱۳۸۹). آن‌ها در فرش‌های خود که عبارت اســـت از گلیم، قالی و گبه از نقوش ویژه‌ای اســـتفاده می‌کنند که آینه‌ی تمام نمای فرهنگ و تفکر آنان است (مودی، ۱۳۹۰). فرش در خانه‌ی عشـــایری نشـــانه‌ی ثروت، نظم و شکوه چادرنشینی اســـت و قالی قشنگ‌ترین و باشکوه‌ترین جلوه‌ی آن است. فرش نشانه‌ی توانایی فراهم آوردن امکانـــات زندگی از ســـوی مرد و نشـــانه درایت و کدبانوگری زن عشایری است. زن بافنده از کودکی در کنار دار افتاده قالی بزرگ‌شده است و از همان کودکی در به دســـت آوردن مهارت تولید آن کوشـــیده است. این مورد نه به عنوان مسئله‌ای جنبی، بلکه به‌صورت یک وظیفه و روندی عادی از زندگی مطرح است. او همان‌طور که از کودکی زبـــان مادری، روش زندگی، بایدها و نبایدها، سنت‌ها و اعتقادات را یاد می‌گرفته، به بافت قالی و نقوش و نشانه‌های آن نیز آشنا می‌شده است (حاجی‌وندی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

رنگرزی پشم

«مـــواد اولیه برای تهیه‌ی بافته‌های عشـــایری، پشـــم گوســـفندان و موی بزهاست که در خود ایل به‌دست می‌آید. مردان عشایری گوســـفندان را در فصل بهار در رودخانه‌ها شستشـــو داده و پشم آن‌ها را از گردو غبـــار و آلودگی پاک می‌کنند ســـپس پشـــم‌ها را با قیچی می‌چینند تا برای اســـتفاده در اختیار زنان قرار گیرد. زن‌ها کار نخ‌ریســـی و تبدیل پشـــم به خامه را با دوک‌های دســـتی انجـــام داده و کلاف‌های نخ را آماده‌ی رنگرزی می‌کنند. در ایل رنگ کردن پشـــم‌ها با اســـتفاده از رنگ‌های گیاهی صورت می‌گیرد. هر چند که این روزها رنگ‌های شیمیایی فراوان است اما نســـبت کاربرد رنگ‌های شیمیایی به گیاهی تا بیست

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

سال پیش هرگز از ۱۰ درصد تجاوز نمی‌کرد و کیفیت رنگ‌هایی که با گیاهان انجام می‌شـــود نیز بهتر است و عوارض کمتری بـــرای مصرف‌کنندگان دارد. برای رنگرزی پشم‌ها از گیاهان و برگ‌های مختلف استفاده می‌شود که شامل موارد زیر است:

برای تهیه‌ی رنـــگ زرد از زردچوبه و برای رنگ پرتقالـــی به زردچوبه گیاه «خوشـــک» که به ترکی به آن «مردار آغاجی» می‌گویند می‌افزایند. در صورت در دسترس نبودن گیاه خوشـــک، از برگ بید و یا علفی به اســـم «گندل» که در بهار می‌روید بهره می‌گیرند. از ســـاقه های گل «ناز» که در میان گندم‌زارها می‌روید نیز اســـتفاده می‌شود. برای تهیه‌ی رنگ سبز ابتدا پشم را با نیل رنگ می‌کنند و ســـپس مقداری خوشـــک و زردچوبه به آن اضافه می‌کنند. مقدار اضافه کردن آن‌ها بســـتگی به نوع رنگ دارد که ســـبز علفی یا سبز سیر می‌باشد. رنگ دوغی از تهیه‌ی رنگ صورتی به‌دست آمده از روناس و دوغ بدون چربی حاصل می‌شـــود. عشایر برای آماده کردن پشم جهت رنگرزی ابتدا پشم را خوب می‌جوشـــانند و ســـپس زاج و مقداری لیمو خشک در آن می‌ریزند تا پشم‌ها کاملاً شفاف و روشن شود. پس از آن پشم‌ها را در رنگ آماده شده به مدت ۵ تـــا ۶ روز می‌خوابانند تا رنـــگ کاملاً به آن جذب شـــود. در این مدت ان را مرتب هم می‌زنند بعد آن‌ها را در آفتاب پهن می‌کنند تا رنگ پشـــم تثبیت شـــود. سپس پشم‌ها را در کنار رودخانه برده و طی مراسمی مـــرد و زن پشـــم‌ها را در آب می‌شـــویند» (درداری، ۱۳۹۰: ۲۵۶_۲۵۷). ایجاد دو رنگی و گاه ســـه رنگی در قالی‌های عشایری ناشی از نداشتن ابزارهای دقیق اندازه‌گیـــری مواد و کمبود رنگ‌های گیاهی و ظرفیت محدود ظرف‌های مخصوص رنگرزی اســـت.که در نتیجه گاه یک رنگ اصلی در چند نوبت آماده می‌شود و به‌تبـــع آن یک‌بار پررنگ‌تر و بار دیگر کم‌رنگ‌تر از آب در می‌آید. همچنین به سبب بی‌دقتی در شستشوی پشم- که برای زدودن چربی زیادی پشم و آسان شدن جذب رنگ- ضروری اســـت و نیز به سبب یکدست نبودن رنگ طبیعی در پشـــم، گاه رگه‌هایی به چشـــم می‌خورد که کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر از رنگ‌های اصلی اســـت. البته این ناهم‌رنگی منحصر به دست‌بافته‌های روستایی و ایلیاتی نیســـت و در بسیاری از بافته‌های شهری نیز دیده می‌شود (پرهام، ۱۳۵۲: ۹۱).

زمان بافت در گذشـــته با توجه به شـــغل اصلی عشـــایر که دامداری است و شغل اصلی روستاییان که کشاورزی است تعیین می‌شد. معمولاً پشم‌چینی دوبار در ســـال و در فصل بهار و پاییز انجام می‌شـــد ولی قشقایی‌ها و طایفه‌ی شش بلوکی پشم گوسفندانی که تا بـــه حال نزاییده بودنـــد را در فصل بهار می‌چیدند و بقیـــه که زاییده بودند و لاغرتر شـــده بودند بعد از سرحد و در تابستان چیده می‌شد. بعد از این بافندگان بافته‌های یک ســـال خود را تخمین می‌زدند و مقدار پشـــم مورد نیازشان را از همان ابتدا کنار می‌گذاشتند. روستاییان در فصولی که کشاورزی نمی‌شد، بیشترین فعالیت بافندگی را داشتند اما زنان عشایر در هر چهار فصل به بافت مشـــغول بودند و اوج کارشـــان برای نخ‌ریســـی، رنگرزی و بافت، فصل بهـــار و پاییز بود. آنان از پاییز تا بهار ســـال بعد فرصت داشتند که فقط بافندگی کنند. عشایر معمولاً در بهار گوسفندان را در رودخانه می‌شستند. بعد پشـــم آن‌ها را قیچی کرده و تبدیل به نخ می‌کردند و مجدد در آب شســـته و رنگ می‌کردند. شستشـــوی پشم و کلاف‌ها توسط ریشه‌ی گیاه چوغا (چوبک) که باریک و سفید رنگ بود، انجام می‌شد. برای این منظور آن را می‌کوبیدند و به صورت پودر بر روی بند و نخ پاشـــیده و با آب می‌شســـتند. استان فارس دارای پوشـــش گیاهی بسیار غنی است و انواع گیاهان را در خود جای داده اســـت. در ایران بیش از ۱۲۰ رنگزای گیاهی شناسایی شده که تعدادی از آن‌ها در فارس موجود اســـت. از حدود ۱۵۰ سال

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

پیش (دوره‌ی قاجار) با ورود رنگزاهای شـیمیایی یا جوهری، تولیدکنندهی فرش بـه دلیل راحتی کار به این رنگزاها روی آورد. این موضوع سبب شد اصالت فرش تحت‌الشـعاع قرار گیرد. تا جایی که در برخی مـوارد به دلیـل بی‌کیفیت بـودن رنگ‌های جوهری و رنـگ پس‌دادگی، اعتماد مشـتریان نیز نسـبت به این کالا کاسـته شد. عشـایر فارس اما کمی دیرتر به رنگ‌هـای جوهری روی آوردند زیـرا آن‌ها به دلیل نوع زندگی کوچ‌نشـینی خود به اکثر نمونه رنگزاهای گیاهی دسترسـی داشتند و در نتیجه از این رنگزاهای گیاهی برای رنگرزی پشم مورد نظر استفاده می‌کردند و اعتقاد بر این داشتند که رنگ‌های طبیعی با گذشت زمان براق‌تر شـده و بر ارزش فرش افزوده می‌شود. آن‌هـا رنگ‌ها را به زبان محلی ایـن گونه نامگذاری می‌کردنـد: پرتقالی(نارنجی کمرنگ)، گل گز (قرمز)، یاشل (سـبز)، گی (آبی)، سیرمه‌ای(سرمه‌ای)، پشتی گلی (صورتی و سرخابی)، و سیاه که از همان جوهر سرمه‌ای به دست می‌آمد ولی روی پشمی که خودش تیره باشد رنگرزی می‌شد و از میان پشم‌ها، سفیدترین آن را برای سـفید می‌گذاشـتند و تیره‌ها و سیاه‌ها را برای سیاه. که البته این اصطلاحات در مناطق مختلف کمی متفاوت است. رنگزاهای گیاهی مورد استفاده در فرش در مناطق مختلف، متفاوت است مثلاً در فارس برای رنگ زرد از جاشـیر، در چهارمحال و بختیاری از برگ مو و در مشـهد از اسپرک استفاده می‌کردند. غرب استان فارس جاشیر فراوان دارد، سمت اردکان و یاسوج، جاشیر بهترین رنگ زرد را می‌دهد. از نمونه رنگزاهای مورد اسـتفاده در قالی‌های عشایری استان فارس می‌توان به موارد زیر اشـاره کرد: کاه، گندم و جاشـیر و پوسـت انار، زردچوبه و برگ انگور.... که آن‌هارا می‌جوشـاندند و رنگ زرد تا کرم و قهوه‌ای به دست می‌آوردند. خوشک یا مردارآغاجی (گیاه محلی سـرحد با برگ‌های سبز): سـبز، کرم، کاهی که ثبات خوبی هم داشـت. با دندانـه قلع، زرد خوش رنگ و با دندانه آهن هم سـبز خوش رنگ می‌دهد. پوسـت گردو علاوه بر فارس از همدان نیز تهیه می‌شود: فصل گردو، پوست سـبز آن را جدا می‌گذاشتند و خشک می‌کردند و می‌کوبیدند و از آن چندین نوع رنگ ایجاد می‌کردند. مثلاً یکی را آبغوره می‌زدند و دیگری را قره و در طیف‌های متفاوت رنگ ایجاد می‌کردند. با ترکیب پشـم‌های آبی و خوشک رنگ‌های سبز روشن و سبز سیر به دسـت می‌آید. رنگ بنفش را با پوست انار و پوست گردو و خاک بنه به دست می‌آوردند و رنگش همچنـان پایدار بود. اما برای رنـگ بنفش جوهری، ابتـدا کلاف را در پاتیلی که رنگ قرمز درآن رنگرزی شده بود، قرار داده و سـپس کمی آب و جوهر سیاه به آن اضافه می‌کردند. گنـدل نیز از دیگر رنگزاهای گیاهی است. ریشـه بویاق (روناس) و قرمزدانه برای تم رنگ‌های نارنجی و مسـی تـا قرمز و لاکی از یزد نیز تهیه می‌شـود (البته این رنگزا به صورت سنتی در دست‌بافته‌های فارس کمتر مرسوم بوده است). قرمز با بویاق (روناس)+ قره قوروت و زاغ و دوغ برای رنگ صورتی اسـت. نیل برای به دست آوردن طیف آبی و سـبز مثلاً با خواباندن خامه‌ها همراه هم در برگ مو و در برگ مردار آقاجی (خوشـک) و برگ سگیدآقاجه (بید) و جـوش دادن آن‌ها بعد یک روز درجه تیرگی رنگ‌ها کم می‌شـد. بنگاره[1]، برای رنگ مشکی رنگ جوهـری + زاغ[2] در نهایت بعـد از اتمام رنگرزی بنا بـه تجربه، خامه‌ها را در نور خورشـید قرار می‌دادند تا به اصطلاح محلی ته‌بندی رنگ کامل شـود. آقای فرمانی در کارگاه رنگرزی خود از سـال ۷۰ به بعد با سفارش آقای ذوالانواری رنگ سبز هندوانه‌ای (حدوداً ۱۰ طیف) را با استفاده از رنگزای طبیعی ساخت و به مجموعه رنگ‌های مورد استفاده در فرش افزود. رنگ طلایی با ترکیب خوشـک و روناس با دندانه‌ی زاج سـفید و از دندانه‌های طبیعی مانند آبلیمو، زاغ یا زاج

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

سفید (در حال حاضر از کرج و اسلامشهر نیز تهیه می‌شود) به دست می‌آید. دندانه‌های مصرفی شامل: قره قروت، اسید فرمیک یا همان جوهر مورچه، دوغ، اسید لاکتیک، سرکه، اسید استیک، ماست، دندانه‌ی سولفات آهن، زاج سفید می‌باشد.

به مرور زمان همان راحتی کار با رنگ جوهری و رنگدهی سریع و ارزان بودن آن، عشایر را نیز مجبور به استفاده از رنگ‌های جوهری کرد. البته سرعت روند استفاده از رنگ‌های جوهری در میان روستاییان و سپس عشایر مناطق مختلف متفاوت بود. به عنوان مثال در فرش‌های اقلید، آباده و حسن‌آباد نسبت به فرش‌های فیروزآباد از درصد رنگ‌های جوهری بیشتری استفاده می‌کردند و مناطقی چون نیریز قدیم و ایلات خمسه نیز بیشتر از رنگ‌های گیاهی استفاده می‌کردند. این رنگ‌ها بسته به نوع برندشان کیفیت‌های متفاوتی داشتند: رنگ‌های چینی از کیفیت پایین و رنگ‌های سوئیس و بلغاری ازکیفیت بالایی برخوردار بودند. از حدود ۳ دهه‌ی اخیر اکثر مناطق از رنگ‌های جوهری استفاده می‌کردند[۳] که از بازار شیراز و فیروزآباد و یا دلالانی که از شهررضا می‌آمدند تهیه می‌شد. به عنوان مثال برای رنگ قرمز یک کاسه آرد جو و جوهر را داخل زاغ می‌ریختند و هم می‌زدند و زاغ جوش می‌کردند (دندانه) و از لیموی خشک یا قره قروت نیز به منظور رنگ بست استفاده می‌کردند و به اصطلاح زاغ جوش، خوب که غلیظ می‌شد خامه را به آن اضافه می‌کردند (و طبق آموزه‌ها و تجربه‌هایشان به خاطر آن که رنگ آن نپرد از آرد جو استفاده می‌کردند). برای شستشوی خامه‌ها نیز آن‌ها را سر چوب‌های بزرگ در جریان آب رودخانه قرار می‌دادند تا رنگ‌های اضافه آن برود و در نهایت رنگ حاصل شده براق می‌شد.

عشایر فارس معمولاً از پشم دستریس گوسفندان خودشان برای بافت استفاده می‌کردند و تهیه‌ی مواد اولیه برای بافت نیز بستگی به مسیر کوچ آن‌ها داشت. و این مواد نیز در برخی مواقع از پشم شترهایشان تأمین می‌شد. حتی ریشه‌ها (تارها) پشمی بود و عشایر وابستگی به جایی برای تأمین مواد اولیه نداشتند. بعدها، کم کم تحت تأثیر شهرها و روستاهای هم‌جوار از چله‌ی پنبه‌ای نیز بهره بردند. این پشم‌ها یا به صورت خودرنگ در بافته استفاده می‌شد و یا آن‌ها را رنگ می‌کردند. پشم‌های خود رنگ به رنگ‌های سفید، سبز (خاکستری/ بور)، قهوه‌ای و مشکی بود.

کشکولی‌ها در گذشته از پود ابریشمی بنفش رنگ در بافته‌هایشان استفاده می‌کردند و آن‌ها ابریشم را نیز مانند پشم از بازار خریداری کرده و مثل پشم رنگرزی می‌کردند ولی چون سریزین الیاف ابریشم را نمی‌گرفتند، این رنگرزی ثبات نداشت و رنگ پس می‌داد.

در گذشته، در کارگاه رنگرزی آقای سیاحی در سلطان آباد، مواد رنگزای گیاهی را خودشان از مناطق مختلف فارس جمع‌آوری می‌کردند ولی حالا به محلی‌ها سفارش می‌دهند و آن‌ها برایشان می‌آورند.

قشقایی‌ها چون به رنگ‌های شاد علاقه داشتند، با ورود رنگ‌های جوهری بدون توجه به میزان جذب رنگ و دوام آن، از رنگ‌های جوهری استفاده کردند ولی چون به نحوه‌ی رنگرزی صحیح با رنگزاهای شیمیایی آشنایی نداشتند الیاف رنگ شده از ثبات کافی برخوردار نبودند آن‌ها رنگزاهای گیاهی مثل خوشک و پوست انار و پوست گردو را تا جایی که در دسترسشان بود استفاده می‌کردند. رنگرزی پشم‌ها با برخی رنگزاها مثل نیل در خانه امکان‌پذیر نبود و گاهی پشم‌ها به سپیدان برای رنگرزی فرستاده می‌شد.

در جدول شماره‌ی (۱)، تعدادی از رنگزاهای گیاهی استان به همراه نام محلی و رنگ ایجاد شده از آن‌ها آورده شده است.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

جدول ۱. رنگزاهای گیاهی استان فارس

ردیف	رنگ	نام محلی	گیاه
۱	زرد		زردچوبه یا جاشیر یا ترکیب خوشک و دندانه‌ی قلع
۲	زرد تا کرم قهوه‌ای		ترکیب کاه، گندم، جاشیر، پوست انار، زردچوبه و برگ انگور
۳	نارنجی کمرنگ	پرتقالی	ترکیب زردچوبه با خوشک یا برگ بید یا گیاه گندل و یا ساقه‌های گل ناز
۴	طلایی		ترکیب خوشک و روناس و زاج سفید
۵	صورتی	پشتی گلی	ترکیب روناس و قره قوروت با زاغ و دوغ
۶	صورتی	دوغی	صورتی به دست آمده از روناس و خواباندن در دوغ بدون چربی
۷	نارنجی و مسی تا قرمز ولاکی		ریشه بویاق(روناس) و قرمزدانه
۸	لاکی یا قرمز	گل گز	روناس
۹	آبی	گی	نیل
۱۰	سورمه‌ای	سیرمه‌ای	نیل
۱۱	سبز	یاشل	خوشک با دندانه‌ی آهن، گیاه بنگاره، خواباندن پشم در ترکیبی از گیاهان برگ مو و مردار آغاجی (خوشک) و سگید آقاجه (بید)
۱۲	سبز علفی تا سبز سیر		پشم آبی رنگ شده با نیل با خوشک و زردچوبه
۱۳	بنفش	بنوش	از ترکیب پوست انار و پوست گردو و خاک بنه
۱۴	سیاه		جوهر سورمه‌ای بر روی پشم خودرنگ تیره

(نگارندگان)

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

در بین سال‌های ۴۴-۴۰ درگیری بین حکومت و عشایر به منظور اسکان ایشان شکل گرفت و چون خان‌ها خیلی سازگاری با دولت نداشتند، اولین آزمایش هواپیماهای جنگنده F۴ یا فانتوم‌های ایران علیه آن‌ها به ویژه قشقایی‌ها انجام شد و همین امر تأثیر زیادی در نقش و رنگ بافته‌ها گذاشت. به طوری که رنگ‌های زنده و شاد قشقایی کم کم به تیرگی رفت[۴]. استفاده از نقاط شارپ یا تیز در بافته‌ها بیشتر شد که نشان از خشونت و حالت روحی زنان ایل داشت. و استفاده از رنگ‌های سرخ و قرمز نسبت به رنگ زردی که قبل‌تر از انار می‌گرفتند، بیشتر شد.

یکی از اتفاقات ناخوشایند در فرش فارس واردات رنگرزی شیمیایی در زمان پهلوی دوم بود که حتی تا دهه‌ی ۷۰ هم در اتحادیه‌ها ردپای آن وجود داشت. تا این که بعدها به همت اشخاصی مثل مرحوم عباس سیاحی، سید رضی میری، غلامرضا ذوالانواری و غیره رنگرزی سنتی مجدد احیاء شد.

بعد از انقلاب برای این که تولید بیشتر شود، دولت یک‌سری تسهیلات و وام به تولیدکنندگان داد و برای صادرکنندگان جوایز تشویقی در نظر گرفت. در آن زمان از ادغام سازمان صنایع دستی و جهاد سازندگی و روی کار آمدن جهاد کشاورزی که فرش را در اختیار داشتند؛ رنگرزی طبیعی که در زمان پهلوی دوم به طور کامل کنار رفته بود مجدد به روی کار آمد. و یکی از این اقدامات دادن وام و تسهیلات به تولیدکننده‌ها بود که سعی در احیاء فرش داشتند. دیگری مساعدت سازمان صنایع دستی با دادن وام برای احداث کارگاه بزرگ رنگرزی آقای عباس سیاحی در سلطان‌آباد فارس بود. در بین سال‌های ۶۰-۵۷ وقفه‌ی کوچکی در تولید فرش اتفاق افتاد. اما سال‌های ۶۲-۶۰ اوج فرش‌بافی فارس بود. بعد از انقلاب اداره‌ی جهاد کشاورزی از یکسری از طرح‌هایی که فکر می‌کرد فروش خوبی دارند به تعداد بسیار زیاد به بافندگان روستایی سفارش داد. و چون نقشه‌ها همه تکراری بودند، به طرح‌های جهادی معروف شدند. منتهی عدم استفاده از مواد مرغوب و رنگرزی شیمیایی الیافی که به بافندگان داده می‌شد، باعث شد کیفیت محصولات افت پیدا کند و تا حدودی در فروش و صادرات فرش تأثیر گذاشت.

در گذشته مواد اولیه و نوع رنگرزی مرغوب‌تر بود. چون بافنده برای خود می‌بافت و کیفیت کارها هم بالاتر بود. در آن موقع بیشتر مایحتاج ایل از طریق بافته‌هایشان تأمین می‌شد ولی حالا به خاطر کیفیت نامرغوب مواد اولیه، تولیدات رکود پیدا کردند به طوری که حتی رنگ‌های شیمیایی هم که از کشورهایی مثل بلغارستان و چین وارد کشور شدند، کیفیت نداشتند. در زمان تحریم‌ها، پشم و نخی که در ایران رنگرزی شده بود به کشورهای هند و چین و نپال برده می‌شد و آن‌ها به خاطر وجود کارگر ارزان و امکانات بسیار، فرش مشابه با طرح و نقش ایرانی می‌زنند و به اروپا صادر می‌کنند.

از سال ۷۳ به بعد گبه با تحولی بزرگ در ساختار اصلی خود از نظر تکنیک و طرح و نقش وارد بازار شد و توانست جایگاه خود را بیابد. زیرا با توجه به سلیقه‌یابی‌های صورت گرفته، به این نتیجه رسیدند که عامل هماهنگی طرح و رنگ و ابعاد فرش در دکوراسیون داخلی بسیار مهم است و بنابراین با توجه به درخواست مخاطبین آن، ابعاد گبه نیز تغییر کرد. مثلاً گبه‌های چهار گوش یا ۲ در ۲ بافته شدند. به طور کل سلیقه‌یابی عاملی است که باید مدام به روز شود. به عنوان مثال در عربستان رنگ‌های تند طرفدار بیشتری دارد، آلمانی‌ها رنگ‌های ملایم و اسپانیا به رنگ‌های متعادل علاقه بیشتری نشان می‌دادند. در گذشته فرش‌های عربی که تیره بودند و رنگ‌های سیاه و خفه داشتند به کشورهای اسکاندیناوی مثل سوئد و نروژ صادر می‌شد. و فرش‌های قشقایی به مرکز اروپا

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

و جنوب آن ارسال می‌شدند.

در گذشته سلیقهی خرید مشتری بیشتر بر اساس کیفیت بود؛ ولی امروز مخاطب‌ها و مشـــتری‌ها ابتدا بـــه رنگ توجه می‌کنند و بعد بـــه قیمت فرش و بعد از قیمت در مرحله‌ی ســـوم، چهارم به کیفیت فرش و جنس فرش.

هریـــک از این جوامع اعتقاد دارد که هدف اصلی و نهایی‌اش حفظ و ادامه‌ی وضع موجودی اســـت که توســـط نیاکان استقراریافته است و آن هم فقط به این دلیل که نیاکان آن را چنین ســـاخته‌اند. نیازی به دلیل دیگر نیســـت و هرگاه از یکی از افراد ایشـــان بپرسیم که دلیل فلان رســـم یا نهاد اجتماعی چیست؟ همواره پاســـخ می‌شـــنویم که: «این کاری است که ما همیشه کرده‌ایـــم» (گاردنر: ۳۷۹، ۱۳). به همین دلیل اســـت که عشایر بســـیار متأثر از عقاید پیشینیان خود در امر بافندگی بودند. آن‌ها اعتقاد داشتند که پهن کردن پشم در شـــب ۱۴ و ۱۵ مـــاه در زیر نـــور مهتاب، موجب می‌شـــود که عکس ماه (نور ماه) در پشم بماند و پشم جلا و درخشش پیدا می‌کند.

برگزاری مراســـم و جشـــن رنگرزی معمولاً در اردیبهشـــت ماه انجام می‌شد و با ساز و نقاره و سرود و آواز محلی و پذیرایـــی همراه بود. گروهی حتی به برخـــی از رنگ‌ها نیـــز بدبین بودند و از آن اســـتفاده نمی‌کردند یا کم اســـتفاده می‌کردنـــد مثل رنگ زرد. آن‌ها رنگرزی را جزء مراســـم شـــادی می‌پنداشتند. و در ایام شهادت و محرم و صفر و زمانی که عزیزی از دست می‌رفت رنگرزی نمی‌کردند و حتی تا یک سال هـــم اصلاً فرش دار نمی‌کردند مگر این که فرش نیمه بافته‌ای داشتند که در این صورت دیگران بافتش را به اتمام می‌رساندند.

تاریخ شفاهی رنگرزی فارس

در جـــدول شـــماره‌ی (۲)، کـــد و مشـــخصات مصاحبه‌شـــوندگان و همچنین حیطه‌ی فعالیت ایشان در زمینه‌ی فرش آورده شده است. و جدول شماره‌ی (۳) شـــامل پاسخ مستقیم و بدون دخل و تصرف این افراد به سؤالات مربوط به رنگرزی می‌باشد.

جدول ۲. کد و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	جنسیت	نوع فعالیت در حیطه‌ی فرش	سال تولد	محل تولد
۱	۳-۲-۲	آقا	پژوهشگر، مدرس، کارشناس	۱۳۴۷	-
۲	۳-۲-۳	آقا	تولیدکننده، و رئیس کمسیون توسعه‌ی صادرات اتاق بازرگانی ایران	۱۳۳۰	تهران
۳	۳-۳-۱	آقا	مدیر عامل اتحادیه‌ی تعاونی‌های فرش دستباف روستایی استان فارس	-	فیروزآباد
۴	۳-۴-۱	آقا	تولیدکننده و صادرکننده‌ی فرش	۱۳۴۹	شیراز

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۲. کد و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	جنسیت	نوع فعالیت در حیطه‌ی فرش	سال تولد	محل تولد
۵	۳-۴-۳	آقا	تولیدکننده و صادرکننده‌ی فرش	۱۳۲۹	شیراز
۶	۳-۴-۵	آقا	تولیدکننده و صادرکننده‌ی فرش	-	خسروشیرین آباده
۷	۳-۴-۶	آقا	تولیدکننده و صادرکننده‌ی فرش	۱۳۵۱	
۸	۳-۴-۷	خانم	تولیدکننده و صادرکننده‌ی فرش	۱۳۳۵	فیروزآباد
۹	۳-۴-۸	آقا	تولیدکننده و صادرکننده	۱۳۳۷	شیراز
۱۰	۳-۴-۱۲	آقا	فروشنده‌ی فرش، رفوگر	۱۳۵۴	شیراز
۱۱	۳-۴-۱۳	آقا	تولیدکننده و صادرکننده‌ی فرش	۱۳۲۴	شیراز
۱۲	۳-۵-۱	خانم	بافنده	۱۳۵۷	شیراز/ طایفه‌ی دره شوری تیره‌ی جیرانلو
۱۳	۳-۵-۲	خانم	بافنده	۱۳۴۲	سمیرم. عشایر: طایفه‌ی قشقایی
۱۴	۳-۵-۳	خانم	بافنده	۱۳۵۲	سرحد آباده. عشایر: طایفه‌ی قشقایی

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۲. کد و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	جنسیت	نوع فعالیت در حیطه‌ی فرش	سال تولد	محل تولد
۱۵	۳-۵-۴	خانم	بافنده	حدوداً ۶۰ سال	حوالی بی بی حکیمه
۱۶	۳-۵-۷	خانم	بافنده	حدوداً ۶۸ سال	قشقایی: تیره‌ی کرمانی
۱۷	۳-۵-۹	خانم	بافنده	-	ماهور نیل آباد (نوروز آباد) از ایل گشتاز کشکولی
۱۸	۳-۵-۱۱	خانم	بافنده و تولیدکننده	۱۳۲۶	-
۱۹	۳-۵-۱۳	خانم	بافنده	۶۲ سال	کازرون: عشایر کرد
۲۰	۳-۵-۱۴	خانم	بافنده	حدوداً ۷۰ سال	کازرون از ایل قشقایی طایفه‌ی خیراطلو (دره شوری)
۲۱	۳-۵-۱۵	خانم	بافنده	۱۳۶۳	خان زنیان. روستای خطیری طایفه‌ی دره شوری
۲۲	۳-۶-۱	آقا	رنگرز	۱۳۱۱	اردستان
۲۳	۳-۶-۲	آقا	رنگرز	۱۳۳۶	سلطان‌آباد
		آقا	رنگرز	۱۳۳۵	بغلان از کابل افغانستان

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۲. کد و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	جنسیت	نوع فعالیت در حیطه‌ی فرش	سال تولد	محل تولد
۲۴	۳-۶-۳	آقا	مدرس دانشگاه، پژوهشگر، رنگرز و دکتری نساجی	۱۳۵۱	شیراز
۲۵	۳-۷-۱	خانم	بافنده و رفوگر	۱۳۰۰	شیراز
۲۶	۳-۷-۴	آقا	رفوگر، مدرس	۱۳۴۸	شیراز

(نگارندگان)

جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۱	۳-۲-۲	در استان فارس اصیل‌ترین رنگزاهای گیاهی در مناطق کوهی و دشت می‌روید که اکثراً در مسیر کوچ عشایر قرار داشتند. که این امر ماده‌ی اولیه رنگرزی طبیعی را برای ایشان فراهم می‌کرده است. بیش از ۱۲۰ رنگزای گیاهی در استان وجود داشته است.
۲	۳-۲-۳	از حدود ۱۵۰ سال پیش رنگرزی با گیاهان بوده ولی در دوره‌ی قاجار ورود رنگزاهای شیمیایی اتفاق افتاد.[1] درخشش رنگ‌های شیمیایی و سرعت در رنگرزی از عوامل توجه مردم به آن‌ها شد.
۳	۳-۳-۱	در فرش‌های قشقایی از رنگ‌های گیاهی استفاده می‌کنند که هر چه کهنه‌تر شود دارای ارزش‌افزوده می‌شوند. عشایر چون به شهرها دسترسی نداشتند از گیاهان برای رنگرزی استفاده می‌کردند و اصلاً از رنگ‌های جوهری استفاده نمی‌کردند. مثلاً از کاه و جاشیر رنگ کرم به دست می‌آوردند و یا پوست انار و پوست گردو رنگ‌های مورد نیازشان را تهیه می‌کردند. اما به مرور زمان راحتی کار با رنگ جوهری و رنگدهی سریع و ارزان بودن آن عشایر را مجبور به استفاده از رنگ‌های جوهری کرد. در فرش‌های اقلید و حسن‌آباد نسبت به فرش‌های فیروزآباد از درصد رنگ‌های جوهری بیشتری استفاده می‌کردند.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۴	۳-۴-۱	گیاهان رنگزا تا جایی که در استان یافت می‌شد از همان فارس کشت می‌شد ولی باقی رنگزاها را از مناطق دیگر ایران به دست می‌آوردند.
۵	۳-۴-۳	رنگرزی سنتی داشتند
۶	۳-۴-۵	ورود رنگرزی شیمیایی به استان در سال‌های ۶۰ بوده است.[۱]
۷	۳-۴-۶	رنگزاهای شیمیایی سیبای سوئیس از نظر کیفیت مناسب‌تر از چین بودند. رنگرزی رنگ‌های مسی، صورتی، دوغی، نیلی به صورت طبیعی انجام می‌شد. نور آفتاب یکی از عوامل تأثیرگزار در درخشش و تیرگی و روشنی رنگ‌ها به شمار می‌آمد. اگر می‌خواستند رنگ شفاف باشد، کمتر در آفتاب می‌گذاشتند و اگر می‌خواستند پررنگ‌تر باشد بیشتر در آفتاب می‌انداختند. در رنگرزی سنتی از گیاهان مردارآغاجی (خوشک/ خوشت)، جاشیر، زردچوبه، روناس و حشره قرمزدانه استفاده می‌کردند.
۸	۳-۴-۷	در اواخر دهه‌ی ۵۰ و اوایل سال ۶۰ عده‌ای با وارد کردن رنگزاهای جوهری ضربه‌ی زیادی را در دراز مدت به فرش فارس وارد کردند. مثلاً آباده، اقلید رنگ جوهری استفاده می‌کردند ولی نیریز قدیم و فرش‌های ایل خمسه رنگ گیاهی داشتند.
۹	۳-۴-۸	در گذشته مواد اولیه و نوع رنگرزی مرغوب‌تر بود. چون بافنده‌ها برای خودشان می‌بافتند و کیفیت کارها هم بالاتر بود. در آن موقع بیشتر مایحتاج ایل از طریق بافته‌هایشان تأمین می‌شد ولی حالا به خاطر کیفیت نامرغوب مواد اولیه، تولیدات رکود پیدا کردند.
۱۰	۳-۴-۱۲	از گیاهانی مثل جاشیر و پوست گردو استفاده می‌کردند.
۱۱	۳-۴-۱۳	لاکی از روناس، زرد از پوست انار، جاشیر و یا گردو و در ترکیب با نیل رنگ سبز به دست می‌آمد.

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۱۲	۳-۵-۱	استفاده از آبغوره و یا قره قوروت به عنوان اسید برای به دست اوردن طیف‌های مختلف رنگی. رنگ‌های جوهری را آقایی از شهررضا برای آنها می‌آورد. پرتقالی (نارنجی کم‌رنگ)، گل گز (قرمز)، یاشول (سبز)، گی (آبی)، سیرمه‌ای (سرمه‌ای)، صورتی و سرخابی طور (پشتی گیلی)، و سیاه هم از همان جوهر سرمه‌ای می‌زدند ولی روی پشمی که خودش تیره باشد و از میان پشم‌ها سفیدترین را برای سفید می‌گذاشتند و تیره‌ها و سیاه‌ها را برای سیاه. از وقتی که گبه‌باف شدند اصلاً رنگرزی را خودشان انجام نمی‌دادند اما قبل از آن با رنگ جوهری خودشان انجام می‌دادند (اول زاغ جوش می‌کردند یعنی آب را گرم می‌کردند و زاغ را در آن می‌ریختند و بعد کلاف را می‌انداختند و حدود نیم ساعت می‌جوشاندند بعد از آب بیرون می‌آوردند مجدداً جوهر می‌ریختند). در منطقه در حال حاضر نوعی درخت است که به آن ترک‌های قشقایی در روستا "مرداراغاجی" می‌گویند ولی در کتاب خوشک/ خوشت است که از آن رنگ زرد را می‌گیرند. ولی در آزمایشگاه که امتحان کردیم با دندانه‌ی قلع، زرد خوش‌رنگ و با دندانه‌ی آهن هم، سبز قشنگی می‌داد و همچنین "سگیدآغاچه" که برگ درختی بود و رنگ زرد می‌داد. و با کاه هم رنگرزی می‌کردند و در روستای ما الان از جاشیر علوفه‌ای هم برای رنگرزی استفاده می‌شود. برای دندانه فقط از زاغ، یا همان زاج سفید استفاده می‌کردند. از سال ۷۳ در روستاها به ویژه حاجی‌آباد همه جوهری کار می‌کردند. رنگزاها معمولاً از شهرها مثل شیراز و فیروزاباد خریداری می‌شد.
۱۳	۳-۵-۲	استفاده از دوغ ترش برای رنگبرداری یا تضعیف کردن رنگ‌ها به کار می‌رفت.
۱۴	۳-۵-۳	تا جایی که رنگزای گیاهی در دسترس بود از آن‌ها استفاده می‌شد. در مورد باقی رنگ‌ها از رنگزای جوهری بهره می‌گرفتند. انداختن کلاف‌های رنگ شده در زیر نو خورشید برای ایجاد ته‌بندی بهتر در رنگ انجام می‌شد.
۱۵	۳-۵-۴	گندل. مردار آغاجی (خوشک)- برگ سگید (برگ بید)- جاشیر. برای رنگ قرمز یک کاسه آرد جو و جوهر را داخل زاغ می‌ریختند و هم زده و زاغ جوش می‌کردند و خوب که غلیظ می‌شد آن موقع نخ را به آن اضافه می‌کردند به خاطر آن که رنگ آن نپرد از آرد جو استفاده می‌کردند. که این کار از قبل مرسوم بوده است.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۱۶	۳-۵-۷	استفاده از گیاهان روناس برای قرمز، خوشک برای زرد، برگ بید، برگ درخت بنگاره رنگ سبز، این‌ها را یک شب درآب می‌خواباندند و صبح از آب بیرون آورده، روناس را داخل لگن (تشت) می‌ریختند. کلاف را در آن انداخته و همین‌طور مشت می‌زدند تا این بند، رنگ روناس را بردارد. با آب قلیل این کار را انجام می‌دادند. کلاف‌ها ۱۵ تا ۲۰ بار با روناس مشت می‌زدند تا رنگش را برمی‌داشت. آن وقت آن‌ها را در دیگ می‌ریختند و کلاف را پهن ردند و یک مشت از روناس می‌ریختند و دوباره کلاف را پهن می‌کردند و باز روناس روی آن می‌ریختند، دوباره آب هم روی آن می‌ریختند. شب چند عدد لیمو له می‌کردند و روی آن می‌پاشیدند و بعد روی آن را می‌پوشاندند تا صبح بماند. چند تکه پوشان (کار دست‌باف، گلیم، جاجیم و...) روی دیگ بزرگ می‌انداختند و صبح حوالی ساعت ۸ و۹ روی آن را برمی‌داشتند. در رنگرزی جوهری، برای هرکلافی دو مثقال جوهر می‌ریختند بعد از رنگرزی آن‌ها را می‌بردند رودخانه، کلاف‌هارا در آب می‌انداختند و با یک چوب بزرگ می‌زدند و سر کلاف را در آب می‌انداختند تا یک یا دوساعتی که در آب بماند. شستشو با آب به تنهایی صورت می‌گرفت. از زاغ و لیموی خشک به عنوان دندانه و رنگ‌بست استفاده می‌شد. جوشاندن کلاف‌ها در دیگ جوهر تا زمانی بود که پساب باقی مانده کاملاً بی رنگ شود.
۱۷	۳-۵-۹	استفاده از گیاهان جاشیر، بیاغ یا روناس و ترشی یا قره قوروت به عنوان رنگ‌بست استفاده می‌شد.
۱۸	۳-۵-۱۱	با گیاهانی همچون خوشک، گندل، زرد چوبه و جاشیر رنگرزی می‌کردیم. و با ترکیب پشم‌های آبی وخوشک رنگ‌های سبز روشن و سبز سیر به دست می‌آمد. از لیمو یا قارا "قره"به عنوان اسید استفاده می‌شد. رنگ‌های قرمز و دوغی و زرد و بنفش و تمام رنگ‌ها را خودمان رنگرزی می‌کردیم. رنگ بنفش را با پوست انار و پوست گردو و خاک بنه استفاده می‌کردیم و رنگ آن همچنان پایدار بود.
۱۹	۳-۵-۱۳	برای رنگ بنفش جوهری، ابتدا کلاف را در پاتیلی که رنگ قرمز درآن رنگرزی شده بود، قرار داده و سپس کمی آب و جوهر سیاه به آن اضافه می‌کردیم. از مردار آغاجی برای رنگ سبز، رنگ کاهی و رنگ زرد استفاده می‌شد. مردار آغاجی همان خوشک است و از جاشیر هم برای رنگ سبز. ابتدا آب را در ظرف مسی روی چاله قرار می‌دادیم، بعد هیزم را زیر آن قرار داده و درون آب زاغ را ریخته تا زاغ به جوش آید، بعد رنگ را اضافه کرده و بعد الیاف را درون پاتیل قرار داده تا حدود ۲۰ دقیقه به جوش آید، بعد از ۲۰ دقیقه کلاف را از درون پاتیل رنگرزی بیرون آورده و در یک لگن دیگر قرار داده و آب رنگ را نیز به آن اضافه کرده تا مدت یک ساعت در

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۱۹	۳-۵-۱۳	همان رنگ بماند، چون در همان پاتیل باید رنگ بعدی رنگرزی می‌شد که البته رنگ زرد و قرمز، یک ساعت بیشتر درآن لگن می‌ماند. بعد از رنگرزی کلاف‌ها را با آب می شستیم. از زاغ، قرقورت، (یک قاشق آبلیمو، خیلی کم) به عنوان دندانه استفاده می‌شد.
۲۰	۳-۵-۱۴	پوست لیمو، پوست گردو، جاشیر، مردارآغاجی، برگ انگور. قرمز را با روناس+ قرقوروت و زاغ و برای رنگ مشکی رنگ جوهری+ زاغ استفاده می‌کردیم و قبل از این که جوهر بیاد از پشم‌های خودرنگ استفاده می‌کردیم.
۲۱	۳-۵-۱۵	روناس برای قرمز، رنگ نیل برای آبی، از یک درختی به اسم مردار آغاجی که به رنگ‌های سبز و کاهی رنگ خیلی خوب بود و رنگ‌ها را ثابت نگه می‌دارد. رنگ قهوه‌ای می‌خواهیم با پوست گردو، پوست انار، برگ انگور و برگ مردار آغاجی. بندها رو می‌انداختیم داخل آن‌ها و جوش می‌دادیم تا رنگ تیره‌ای به دست می‌آمد و کمی هم رنگ (شیمیایی) به آن اضافه می‌کردیم. این رنگ ثابت بود و حتی در آفتاب هم نمی‌پرید.
۲۲	۳-۶-۱	اولین بار رنگ آبی را با نیل، قرمز را با روناس، رنگ زرد را با کاه گندم، تمام این‌ها را خودش در منزل مادرش درست کرد و پشم‌های آن را داد به یک قالی‌باف در منزل مادرش تا این فرش را بافت.
۲۳	۳-۶-۲	رنگزاها در فارس منطقه‌ای بوده است. مثلاً برای رنگ زرد از جاشیر استفاده می‌کردند. در چهارمحال بختیاری از برگ مو استفاده می‌کردند و مشهد از اسپرک استفاده می‌کردند و همه هم رنگ زرد می‌داده و نها چیزهایی بوده که به حساب منطقه‌ای بوده خیلی رنگزاها هم هست که همه جای ایران هست مثل پوست گردو، پوست انار. ما خوشک هم استفاده کردیم البته خودمان جمع‌آوری نکردیم. یک شرکتی در سالهای ۶۳ـ۶۴ که رنگ گیاهی با قیمت خیلی بالا تولید و بسته‌بندی می‌کردند ولی کسی خرید نکرد و ما رفتیم و گفتیم قیمت بالا هست و به قیمت پیشنهادی ما فروخت. همه‌ی گیاهان رنگزا هستند. برگ توت، چای و زعفران که رنگ خیلی عالی دارد ولی به دلیل گرانی نمی‌شود با آن کار کرد. رنگ سبز را با نیل و جاشیر و با دندانه سولفات آلومینیوم (زاج سفید) . از سال ۷۰ به بعد رنگ سبز هندوانه‌ای را ابداع کردیم.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۲۳	۳-۶-۲	رنگ طلایی از ترکیب خوشک و روناس با دندانه زاج سفید به دست می‌آید. دندانه سولفات آلومینیوم (زاج سفید). در فارس و شیراز به دندانه دادن اصطلاحاً زاغ جوش می‌گویند. اداره‌ی بازرگانی زمانی مقدار زیادی رنگ جوهری وارد ایران کرد و اگر رنگرزی نیاز به خرید رنگ گیاهی داشت، او را مجبور می‌کرد که در کنارش رنگ جوهری نیز بخرد. وگرنه به وی رنگ گیاهی داده نمی‌شد.
۲۴	۳-۶-۳	بیش‌ترین ماده‌ی رنگی در استان فارس رنگ جاشیر است و حالا فارس بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی جاشیر جهت رنگرزی کشور است. و چون قیمت ان از اسپرک ارزانتر است بقیه استان‌ها آن را از فارس خریداری می‌کنند. با شروع تحریم‌ها واردات مختل شد. رنگ‌های شیمیایی مرغوب نبود و از کشورهایی مانند بلغارستان و کشورهایی که به ما نزدیک‌تر بودند مثل چین به ایران وارد شدند و این می‌توانست بزرگ‌ترین ضربه را به فرش بزنند. همچنین قرمزی به اسم قرمز کارموزین از چین آمده بود. شستشوی قالی‌ها تا قبل از رنگرزی شیمیایی انجام می‌شد ولی با ورود رنگزاهای شیمیایی خیلی انجام نگرفت. **for Iranian carpet** برای فرش ایران یعنی اصلاً آلمان شرکت سیبا زده بود یا حالا شرکت باس زده بود برای فرش ایران چون مناطق کوچ عشایر طوایف مختلف، به هم نزدیک بود نوعی تعامل اطلاعات بین آن‌ها رد و بدل می‌شد. روناس معمولاً داخل استان فارس کشت نمی‌شود معمولاً شن‌زار می‌خواهد اگر هم باشد خیلی کم است. دندانه‌های مورد استفاده: اسید فرمیک یا همان جوهر مورچه/ قره قروت/ دوغ اسید لاکتیک/ سرکه اسید استیک/ ماست/ دندانه سولفات آهن و زاج سفید است.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

ادامه جدول ۳. نواع رنگزاهای (طبیعی/ شیمیایی)، دندانه‌ها و اسیدهای کاربردی مورد استفاده در استان فارس و محل تهیه و نحوه‌ی ورود آن‌ها

ردیف	کد مصاحبه‌شوندگان	پاسخ
۲۴	۳-۶-۳	بعد از انقلاب از ادغام سازمان صنایع دستی و جهاد سازندگی، و روی کار آمدن جهاد کشاورزی که فرش را در اختیار داشتند؛ رنگرزی طبیعی که در زمان پهلوی دوم به طور کامل کنار رفته بود مجدد به روی کار آمد. و یکی از این اقدامات دادن وام و تسهیلات به تولیدکننده‌ها بود که سعی در احیاء فرش داشتند. دیگری مساعدت سازمان صنایع دستی با دادن وام برای احداث کارگاه بزرگ رنگرزی آقای عباس سیاحی در سلطان آباد شیراز بود. در سال های ۷۴- ۷۳ در منطقه بافق و ابرقو از یزد مزارع تولید و کشت روناس ایجاد شد. در بین سال‌های ۴۴- ۴۰ یک درگیری بین حکومت و عشایر ایجاد می‌شود. زیرا خان‌ها خیلی سازگاری با دولت نداشتند. و اولین آزمایش هواپیماهای جنگنده‌ی **F4** یا فانتوم‌های ایران، علیه همین قشقایی‌ها بود که مناطق آن‌ها را بمباران کردند. و همین امر تأثیرات زیادی در نقش و رنگ بافته‌ها گذاشت. رنگ‌های زنده و شاد قشقایی کم کم به تیرگی رفت. استفاده از نقاط شارپ یا تیز در بافته‌ها بیشتر شد که نشان از خشونت و حالت روحی زنان ایل و استفاده از رنگ‌های سرخ و قرمز نسبت به رنگ زردی که قبل‌تر از انار می‌گرفتند، بیشتر شد. از زمان پهلوی دوم، یک‌سری رنگ‌های شیمیایی از آلمان وارد ایران شد که تا سال ۷۰ هنوز در اتحادیه‌های فرش از آن موجود بود. و در فروش فرش رکود شدیدی اتفاق افتاد. اکنون ۹۹ درصد رنگرزی در استان فارس به سمت رنگزاهای گیاهی سوق پیدا کرده است.
۲۵	۳-۷-۱	عشایر خودشان مواد رنگزا داشتند و خودشان رنگ آمیزی می‌کردند.
۲۶	۳-۷-۴	در سال‌های ۷۰- ۶۱ بسیاری از بافندگان حتی عشایر، پشم گوسفندان خود را به اداره صنایع دستی می‌دادند و از آن‌ها ریسیده شده و رنگ شده تحویل می‌گرفتند.

(نگارندگان)

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

نتیجه‌گیری

رنگرزی الیاف در عشـایر فارس هر سـاله در فصل بهار و بعد از پشـم‌چینی و شسـتن الیاف، یا قبل از ریسـندگی و یا بعد از ریسیدن پشم‌ها انجام می‌شده اسـت. این طوایف معمولاً از گیاهان در مسیر کوچ خود برای رنگرزی اسـتفاده می‌کردنـد و به همین دلیل این احتمال وجـود دارد که یکی از دلایل تیره بودن فرش‌های مناطق عرب‌نشـین و شرق فارس با فرش‌های طوایف قشـقایی و مناطق غرب‌نشـین که بافته‌هایی با رنگ‌های درخشان و شاد دارند، علاوه بر نوع سـلیقه‌ی ایشان، همین تفاوت در نوع گیاهان در دسترس آنها باشـد. بعد از ورود رنگزاهای شیمیایی اسـتان فارس یکی از مناطقی بـود که دیرتر از دیگر اسـتان‌ها به این رنگزا گرایش پیدا کرد. منتهی چون عشایر به نحوه یصحیح رنگرزی با این مواد شیمیایی آشـنایی کامل نداشـتند، همانند رنگزاهای طبیعی با آن برخورد کردنـد و گاهاً از دندانه‌های طبیعی برای تثبیـت آن بهره گرفتند که این امـر تأثیری در رنگ بست آن نداشت. برای همین معمولاً عشایر بافته‌های خـود را که با رنگزاهای شـیمیایی رنگ شـده‌اند، نمی‌شـویند و معمولاً بعد از چند سـال استفاده آن را تعویـض کرده و می‌فروشـند. تا این که در دهه‌ی ۷۰ تعدادی از تولیدکنندگان نظیر، سـید رضی میری، غلامرضا ذوالانواری و عباس سیاحی، مجدد سعی در احیـاء رنگزاهای طبیعی و گیاهی نمودند و اینک این استان بیشترین استفاده در استفاده از این رنگزاها را در تولیدات عشایری و روستایی خود دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱ گیاهی که از برگ آن برای به دسـت آوردن رنگ سبز استفاده می‌شده است.

۲ قبل از ورود جوهر، از پشم‌های خودرنگ استفاده می‌کردند.

۳ اولین رنگ شـیمیایی توسـط ویلیام پرکین درسال ۱۸۵۶م و در انگلسـتان سـاخته شـد. و بنا به گفته‌ی محققین احتمالاً در سـال ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳م یعنی حدود ۱۱۶ سـال پیش، اولین رنگ مصنوعی وارد ایران شد. همچنین درمورد زمان دقیق ورود اولین رنگ مصنوعی به فارس مطلب مستندی رویت نشده ولی احتمال می‌رود که در زمان پهلوی دوم و بین سـال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ بوده باشد اما باز هم استفاده از آن فراگیر نبود. و آنچه که در کتاب فرایند و روش‌های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی آورده شده این است که این رنگزا دیرتر از بقیه‌ی نقاط کشور وارد استان فارس گردید (جهانشاهی افشار، ۱۳۷۵: ۱۸).

۴ تمامی این کتاب‌ها و روزنامه‌های قید شده در زیر به مطالب و جنگ فوق اشاره داشته است ولی بهتراست استفاده از جنگنده‌ی F۴ در این نبردها حذف شـود چون درسال ۱۳۳۹ این جنگنده وارد ارتش آمریکا شـد و جای تردید اسـت که جهت بمباران مناطق عشایری از این نوع جنگنده استفاده شده باشد واحتمالاً از جنگنده یا هواپیمای دیگری استفاده شده است که افراد بومی به اشتباه به آن اشاره می‌کنند.

۱- روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی ۱۰۸۴۹، ۲۳/۸/۱۳۴۱ ص ۱

۲- روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی ۱۱۹۱۳، ۱۱/۱۱/۱۳۴۱ ص ۱

۳- ارسنجانی، نورالدین. (۱۳۷۹). دکتر ارسنجانی در آیئنه زمان، تهران: نشر قطره.

۴- تابان سـیرت،کاوس. (۱۳۸۰). دلاوران کوهستان بویراحمد، دلیران تنگ تامرادی، قم: موسسه‌ی فرهنگی طنین.

۵- قهرمان ابیوردی، مظفر. (۱۳۷۳). تاریخ وقایع عشـایر فارس، تهران: انتشارات علمی.

۶- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۷۹). دولت رضا شاه و نظام ایلی، تهران: انشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۷- هوگلاند، اریک ج. (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران ۱۳۴۰-۱۳۶۰(ترجمه‌ی فیروز مهاجر). تهران: انتشارات شیرازه.

منابع

- امیری، رزاق. (۱۳۹۱). پارسه (تاریخ فارس، شهرها و روستاهای آن). شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- پرهام، سیروس. (۱۳۵۲). نقل از «قالی بولوردی». تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.
- جهانشاهی افشار، ویکتوریا. (۱۳۷۵). فرایند و روش‌های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- حاجی‌وندی، بهنام. (۱۳۸۲). دلایل ماندگاری نقوش کهن در فرش عشـایری ایران، در مجموعه مقالات اولین سـمینار ملی تحقیقات فرش دستباف (ص ۹۹-۱۱۰) مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران، تهران، مهر ۱۳۸۲، جلد دوم.

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

– خوی‌نژاد، غلامرضا. (۱۳۹۳). روش‌های پژوهش در علوم تربیتی (چاپ اول). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی (سمت).
– دلاور، علی. (۱۳۸۵). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی (چاپ اول). شیراز: انتشارات نوید شیراز.
– درداری، نوروز. (۱۳۹۰). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایل بزرگ قشقایی (چاپ دوم). شیراز: انتشارات قشقایی.
– رابینسن، چیس. (۱۳۹۲). تاریخ‌نگاری اسلامی (ترجمه‌ی محسن الویری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی (سمت).
– غلامحسینی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی بصری نقوش دست بافته های قشقایی فارس. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشکده‌ی هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر.
– فرشید، راضیه. (۱۳۹۳). مطالعه‌ی درک نخبگان از تاریخ شفاهی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشکده‌ی علوم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران.
– گاردنر، هلن. (۱۳۷۹). هنر در گذر زمان (ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی). تهران: موسسه‌ی انتشارات نگاه.
– مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی تهران ۱۶ اسفندماه (۱۳۸۵_۱۳۸۷). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی.
– مودی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی ارزش‌های بصری نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی در فرش‌های عشایر فارس. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی.
– نادری، عزت‌اله، مریم سیف‌نراقی. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)، ارسباران.
– نیک‌نفس، شفیقه. (۱۳۹۲). شیوه‌نامه‌ی تاریخ شفاهی، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت اسناد اسلامی.
-http://www.noormags.ir
– وب سایت تاریخ شفاهی ایران (۱۳۹۶). قابل دسترسی در آدرس: http://www.oral-history.ir/index.php?page=post&id=1102

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.34.6.7]